

مردم‌شناسی ایرانی

تشیلاتی در وضع امروز ایران

مجموعه نوشته‌ها و مصاحبه‌ها

دکتر ابراهیم فیاض

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

سپهر

سرشناسه فیاض، ابراهیم، ۱۳۴۲ -
 عنوان و پدیدآور مردم‌شناسی ایرانی: تأملاتی در وضع امروز ایران / ابراهیم فیاض.
 مشخصات نشر مشهد: سپیده باوران، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری ۱۶۸ ص.
 شابک ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۵۷-۴۴-۰
 وضعیت فهرست‌نویسی فیفا.
 یادداشت کتابنامه.
 موضوع انسان‌شناسی -- ایران -- مقاله‌ها و خطابه‌ها.
 موضوع فرهنگ عامه -- ایران -- جنبه‌های انسان‌شناسی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها.
 ردی‌کنگره ۱۳۹۲ ۹ ف ۹ / GN ۴۶
 دهیندگی ۳۰۱ / ۰۹۵۵
 شماره ثبت‌شناسی ملی ... ۲۸۳۸۳۱۹

مردم‌شناسی ایرانی
 نام‌نویسی در وضع امروز ایران
 ابراهیم فیاض

سپیده

به اهتمام یاسر عباسی
 ویرایش ویراستاران: رفه‌ای پارس، نسترن محمودزاده
 صفحه‌آرایی محمدکاظم کاظمی
 طرح جلد پریسا تشکر
 چاپ اول پاییز ۱۳۹۲
 شمارگان ۱۱۰۰ نسخه
 لیتوگرافی پارسا
 چاپ مهشید
 صحافی پارسیان
 شابک ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۵۷-۴۴-۰
 ISBN 978 - 600 - 5957 - 44 - 0

حق چاپ محفوظ است.
 نشانی: مشهد، چهارراه شهدا، روبه‌روی شیرازی ۱۴، پاساژ رحیم‌پور، کتاب آفتاب.
 تلفن: ۰۲۲۲۲۲۰۴ - ۲۲۳۸۶۱۳ (۰۵۱۱) - info@abook.ir - www.abook.ir
 دیگر مراکز پخش:
 گسترش: ۰۲۱۷۳۵۴۱۰۵ - ققنوس: ۰۲۱۶۶۴۰۸۶۴۰ - آفتاب پنهان: ۰۹۱۹۲۵۱۱۰۳۶

قیمت: ۸۸۰۰ تومان

فهرست

۷	مردم‌شناسی جمعیت ایران (۱)
۱۳	مردم‌شناسی جمعیت ایران (۲)
۱۹	مسائل جنسی و فرهنگ عمومی
۲۳	بم از منظر مردم‌شناسی
۲۹	ثبات و تغییر ایرانی
۳۲	مردم‌شناسی ملاصدرا
۹	مردم‌شناسی وهابیت
۴۳	چارچوبی برای مطالعه هویت ایرانی
۱	مردم‌شناسی بهائیت جدید
۵۷	مردم‌شناسی تمدن جام جهانی
۶۱	مردم‌شناسی جنگ و صلح
۶۵	اشتیاق زنان به حجاب، بیشتر از مردان
۷۳	مردم‌شناسی دینی فلسفه
۷۹	مردم‌شناسی حوزه علمیه قم

۸۵	مردم‌شناسی تاریخی عاشورا
۹۱	خود را بیان کنیم
۹۵	مردم‌شناسی فلسفی
۱۰۱	مردم‌شناسی فلسفه و پیشرفت
۱۰۵	مردم‌شناسی راه و پیشرفت
۱۰۹	لیبرالیسم تصوف‌گرا
۱۱۵	تبارشناسی غرب‌گرایی ایرانی
۱۲۱	کولاسم
۱۲۷	حجاب و غریزه جنسی
۱۳۳	مردم‌شناسی زندگی
۱۳۹	بررسی پویشم (مردم و جبر نخبگان)
۱۵۱	ایران، مردم‌شناسی هرگز به جایی نخواهد رسید

مردم‌شناسی جمعیت ایران (۱)^۱



جمعیت‌شناسی علمی است که در هر کشور، مبنای اقتصادی دارد. ریشه نظریه‌ها، آن، از کشیشی به نام مالتوس در انگلستان آغاز شده است. به دلیل اینکه در انگلستان، همواره جمعیت بیشتر از محدوده جغرافیایی بوده است و همچنین به دلیل وجود سواحلی که به راحتی نمی‌توان از آن‌ها استفاده کرد و وجود صخره‌های بلند و زمین‌های ناهموار که برای کشاورزی مناسب نیست، همیشه غذا کمتر از جمعیت بوده است؛ بنابراین فقر در انگلستان پذیرفته شده است.

در رُمان‌هایی نیز که داستان آن‌ها در انگلستان قرن ۱۹ می‌گذرد، فقر

۱. این مقاله را پیش از این، در هفته‌نامه پنجره، شماره ۴۱، سال دوم، اردیبهشت ۱۳۸۹، منتشر کرده‌اند.

پدیده‌ای واقعی و کاملاً پذیرفته‌شده در جامعه است. به همین دلیل، استثمار و استعمار از انگلستان آغاز شده است؛ زیرا اگر می‌خواستند برای همه مردم غذا فراهم کنند، مجبور بودند بر پشت‌بام خانه‌ها هم سیب‌زمینی کشت کنند و این چیزی است که در مثل‌های آن‌ها نیز رواج دارد.

اما نکته مهم، گفته‌های مالتوس است که به جمعیت، بیشتر از غذا اشاره می‌کند؛ پس این تفکر، مبنایی انگلیسی دارد. گویا از همین‌جا بحث اصلی ظالمانه اصلاح و بقای تکاملی زورمدارانه مطرح شد. این مسئله، بیانگر این بود که پول‌دارها می‌مانند و زندگی می‌کنند و گرسنه‌ها می‌میرند و این سیستم تکاملی خلقت را همچون اصلی اخلاقی در دنیا می‌پنداشتند. فاشیسم نیز از همین تفکر مالتوسی به وجود آمد که می‌گفت: «جمعیت بیشتر از غذا نیست، قحطی در جهان به وجود می‌آید، پس آدم‌ها باید بمیرند!» این پدیده‌ای است که هم‌اکنون نیز در جهان اجرا می‌شود. امروزه فاش شده است که برای ادایایی بسیار خطرناکی به برخی کشورها وارد می‌کنند که موجب قطع نسل شدن انسان‌ها می‌شود تا انسان‌های آن منطقه تولیدمثل نداشته باشند. بنابراین فانه اخیراً در ایران هم شنیده می‌شود که در گمرک و از راه‌های خاص، مواد شیمیایی خطرناکی وارد می‌کنند که برای غذا استفاده می‌شوند. در نهایت، موجب ضعف انسان و انقطاع نسل او می‌شود. حتی برنامه‌های کودایی که با نام برنامه جمعیت‌شناسی و کنترل موالید در کشورهای جهان به کار برده‌اند نیز با تکیه بر همین موضوع پایه‌گذاری شده بود. برای نمونه، برنامه اقتصادی جاری، مرکل، صدراعظم آلمان، گفت: «به علت اینکه وضعیت اقتصادی هندی‌ها و چینی‌ها بهتر شده است، بیشتر غذا می‌خورند و این موجب قحطی در جهان می‌شود.» این درحالی است که از یک میلیارد گرسنه جهان، ۶۲۵ میلیون نفر آن‌ها در آسیا هستند. آن‌ها معتقدند که آسیایی‌ها

به دلیل جمعیت زیاد خود، غذای دنیا را می‌خورند و به همین بهانه، جنگ راه می‌اندازند. این بحث در استراتژی‌های آن‌ها بسیار اساسی است.

تعداد این افراد در افریقا کمتر است. در آنجا هم سیستم‌های کنترل جمعیت را بر اساس موضوع فقر ترسیم کرده‌اند. برنامه‌هایی اجرا کرده‌اند که می‌گویند: «اگر می‌خواهید فقیر نباشید، باید بچه‌های کمتری داشته باشید...»

شواستی که ثروتمندند، جمعیتشان کم و کشورهای کم‌فقرند، پرجمعیت هستند... روش توسعه و پیشرفت همراه با کم‌شدن بچه‌هاست.»

این فرهنگ همگی مبنایی اقتصادی دارد. به عبارت دیگر، جمعیت‌شناسی مردمان خود، مبنایی اقتصادی، زیستی، تکاملی و حیوانی دارد، نه مبنایی انسانی. از این جهت، مانند اقتصاد، بی‌رحم و غیراخلاقی عمل می‌کند. حتی در موضوع انسانیت‌ها، نه فقط حرکت جمعیت از نظر کمی و کیفی، بلکه حرکت - تراشیدن جمعیت از نظر جمعیت‌شناسی نیز کنترل می‌شود. اخیراً، حتی در شبکه‌های بررسی زبان، چارچوب‌هایی نظری را تبلیغ می‌کنند مبنی بر اینکه غربی باشید؛ اما در کشور خود بمانید. زیرا به این نتیجه رسیده‌اند که اگر نژادها رسته‌ها مختلف با همین روند وارد کشورهای غربی شوند، جمعیت آن‌ها از دروازه باران خواهد شد. اگر مسلمانان با همین روند به کشورهای غربی مهاجرت کنند، در زمان کوتاهی، دیگر از مسیحیت و یهودیت چیزی باقی نخواهد ماند. برای نمونه، آن‌ها به هیچ وجه اجازه ندادند که افریقایی‌ها به امریکا بیایند. همچنین، از ورود شهروندان اروپای غربی به اروپای شرقی جلوگیری کردند. خلاصه، چارچوب‌هایی ترسیم کردند که کسی از جای خود حرکت نکند. به عبارت دیگر، فقرا به جمع اغنیا داخل نشوند. بنابراین، جمعیت‌شناسی از بُعد اخلاقی و فرهنگی دچار اشکال شده است؛ اما مردم‌شناسی از این سیستم رد می‌شود.

مردم‌شناسی می‌گوید که باید به بُعد فرهنگی و غریزی جمعیت توجه کرد و نه به بُعد تقلیل‌یافته و ریاضی‌وار جمعیت‌شناختی آن. به این معنا، جمعیت‌شناسی با انسان‌ها همچون ارقام ریاضی رفتار می‌کند. برای نمونه، هنگامی که موالید را می‌سنجد، می‌گوید: «موالید در ایران یک‌ونیم برابر غرب است.» یعنی موالید را نصف می‌کند؛ آدم‌ها را نصف می‌کند. اگر بخواهد موالید را نسبت به پدر و مادر بسنجد، می‌گوید: «یک و ربع»؛ ما که ربع به و نیم آدم نداریم. آن‌ها همه چیز را آماری فهمیده و می‌سنجند. در نسبت این نوع نگاه‌ها، مباحث غیراخلاقی و غیرفرهنگی قرار دارد؛ اما در مردم‌شناسی، فرزند را محصول عشق و علاقه پدر و مادر می‌دانند، نه این‌که صرفاً در مباحث اومانستی محصور باشد. به عبارتی، وقتی مسئله عشق میان دو جنس مخالف به وجود می‌آید، در نهایت، فوران علاقه و محبت این دو در رابطه انسانی تجلی می‌یابد که در نتیجه آن، فرزندی زاییده شود. عشق متولد می‌شود. در نتیجه، موالید نتیجه عشق و انسانیت هستند؛ چراکه عشق و انسانیت با هم رابطه مستقیمی دارند. فرزندان محصول عشق والدین هستند. محصول کل خانه بچه‌سازی؛ مانند آنچه در جمعیت‌شناسی و فاشیسم مطرح است. اگر در جامعه‌ای عشق و احساس و عاطفه وجود داشته باشد، همسران را به پوشش می‌دهد. اگر این دو، یعنی عشق و عواطف انسانی، با هم اوج نگیرد انسانیت جوامع نیز اوج خواهد گرفت و حتماً بچه‌زایی در آن جامعه پیش خواهد یافت. باید توجه کرد که آنچه عشق را به وجود می‌آورد، معنویت است. یعنی اگر معنویت در جامعه‌ای قوی‌تر باشد، عشق و عواطف بیشتر خواهد شد. روابط فراساختاری موجب می‌شود که دو جنس مخالف به یکدیگر نزدیک شده و به هم عشق بورزند و در نتیجه آن، فرزندی متولد شود. در چنین جامعه‌ای، عواطف انسانی در بُعد اجتماعی بسیار چشمگیر است؛

یعنی جامعه عاری از احساس و عاطفه نیست. در این جامعه، عرفان و معنویت و خانواده‌گرایی اوج می‌گیرد و در نتیجه، نظامی سراسر از معنا و نشانه و روابط اجتماعی متراکم به وجود می‌آید و انسان‌ها بسیار شاداب و امیدوار به آینده و زندگی محور می‌شوند. این وضعیت در جایی است که خانواده هیچ می‌گیرد و هر جا خانواده باشد، فرزندی متولد خواهند شد. اما که جمعیت‌شناسان از این مسئله بر ضد نظام خانواده استفاده کرده و شکلاتی فانیان به سر راه خانواده ایجاد کرده‌اند، موضوعی است که در مقاله بعدی مطرح خواهم کرد.